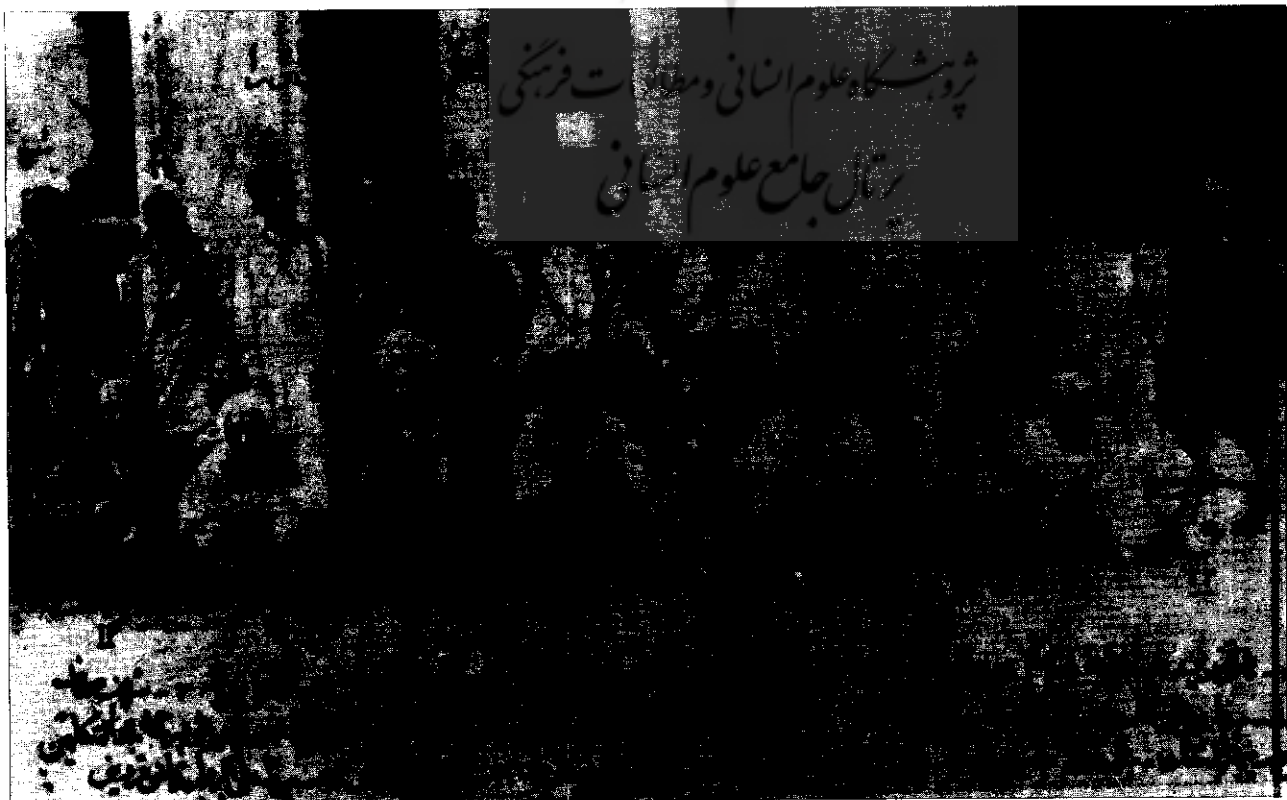


بدون شک می‌توان مشروطیت را یکی از مهمترین رخدادهای قرن سیزدهم هجری قمری / نوزدهم میلادی در صحنه تاریخ ایران و آسیا دانست. این حرکت عظیم که در چهاردهم جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۴ ه. ق / پنجم اوت ۱۹۰۶ م با فرمان تأسیس مجلس شورای ملی به ثمر رسید، اگر چه در ادامه راه خود با موانع و مشکلات بی‌شماری برخورد نمود، ولیکن مسیر تاریخ ایران را

تغییر داد و در سیر تکوینی تاریخ این ملت بزرگ منشأ آثار فراوانی گردید، به طوری که تا به امروز نیز حیات مردم ایران متأثر از آن و پیامدهایش می‌باشد. مشروطیت آنقدر حرف برای گفتن دارد که مسلماً همه آنها در چند کتاب نمی‌گنجد و آنچه نیز تاکنون گفته و یا نوشته شده است برگرفته از دیدگاههای مختلف نویسندگان و مورخان ایرانی و غیر ایرانی است که از

زمینه‌های فکری و سیاسی مؤثر بر روند تکوینی مشروطه اول

شهرام امیری*



مشروطه خواهی در ایران هنگامی آغاز گردید که در سراسر قاره پهناور آسیا جز کشور ژاپن در اکثر مناطق، رژیم خشن و حکومت مطلقه فردی برقرار و قسمتی از این قاره عظیم تحت سلطه دول استعمارگر اروپایی بود.

زوایای گوناگون به بررسی این حرکت عظیم پرداخته اند و دیدگاههای آنها نیز به طور عمده برگرفته از تفکرات رایج در طول یکصد سال اخیر در داخل و خارج از ایران بوده است.

امروز چنین به نظر می‌رسد که باگذشت نزدیک به یک قرن از این رخداد بزرگ باید با دیدی منصفانه و بعضاً تاریخی به آن نگریست و به بررسی آنچه گذشته پرداخت تا بتوان به پاسخهای دقیق‌تری برای سیراب ساختن اذهان نسلهای جدید به خصوص جوانان ایرانی که عمدتاً به دنبال کسب «آگاهی» می‌باشند دست یافت که البته این نکته خود ذهنی آزاداندیش، بصاعت علمی و مجال فراوان می‌طلبد.

حال آنچه در این مختصر به آن پرداخته می‌شود صرفاً کلیاتی است درباره فلسفه ایجاد گروههای فکری و عواملی که در تسریع روند فکری زمینه‌های مشروطیت اول مؤثر بودند. همچنین در ادامه سعی گردیده است تا حتی‌الامکان فضای جامعه ایران در آن عصر که گروههای فکری در بستر آن رشد نمودند، با دیدی صرفاً تاریخی با توجه به منابع در دسترس تشریح گردد.

امید است که خردمندان و اندیشمندان با خواندن این مختصر که صرفاً پیش‌درآمدی است بر پژوهشهای عمیق سایر صاحب‌نظران، نگارنده را از نظرات خود محروم نسازند.

با روی کار آمدن سلسله قاجار، ایران وارد عصر جدیدی در سیر تحولات پرفراز و نشیب تاریخی خود پس از سقوط سلسله مقتدر صفویه گردید. سلسله صفویه در طول حیات خود به خصوص از دوره سلطنت شاه عباس اول به بعد توانسته بود با وجود ادامه روند استبداد کهن فردی، آرامشی نسبی در کشور فراهم آورد، ولی پس از سقوط شهر اصفهان در سال ۱۱۳۵ ه. ق به دست مشتکی افغان شورشی که عملاً سلسله صفویه در سراسر سقوط قرار گرفت، ایران وارد دوره حساسی گردید که مشخصه‌های بارز آن عبارت بودند از ضعف دولت مرکزی، ظهور و سقوط پی‌درپی دولتهای ناپایدار

«افشار» و «زند» که هر کدام جز مدت کوتاهی، ادامه حیات کوتاه خود را در آشوب و هرج و مرج گذرانید. این در حالی بود که جهان به خصوص دنیای غرب در آستانه دو قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی در حال از سرگذراندن تحولات مثبت و عمیقی در حیات اجتماعی و اقتصادی خود بود. در این دوره که با سقوط دولتهای صفوی و افشار و

زند همراه بود - و با مرگ نادرشاه افشار یا به عبارتی «آخرین فاتح آسیا» که از بُعد سیاسی برای آخرین بار برای ایران اعتباری کوتاه‌مدت کسب نمود - با کمال تأسفک رکود عمومی فرهنگی و اقتصادی ایران نیز همچون سایر ملل شرقی آغاز گردید و این در حالی بود که کشورهای اروپایی مدتها قبل از سقوط صفویه رستاخیز فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را آغاز نموده بودند و همزمان با سیر تحولات خونین ایران، گام به گام به سوی تکامل ره می‌پیمودند و در این عصر بود که مبنای روابط بین‌المللی به نفع کشورهای غربی و به ضرر کشورهای شرقی در حال تغییرات گسترده بود و استعمار غرب نیز آرام آرام چهره کریه خود را همچون سایر ملل شرق به وضوح به مردم خسته ایران نشان داد.

با توجه به این تحولات، ایل قاجار توانست از بخت بد ایرانیان در فرجام این دوران هرج و مرج، قدرت را به دست گیرد و این در حالی بود که در طول مدت نزدیک به یک قرن هرج و مرج که به قدرت یافتن خاندان قاجار منتهی گردید، ایرانیان بهترین لحظات و فرصتها را در جهت پیشرفت تاریخی خود در آستانه قرن سرنوشت‌ساز نوزدهم میلادی از دست دادند.

دورنمای سیاسی و اجتماعی ایران در عصر قاجار

پس از قدرت یافتن خاندان قاجار و طی نمودن فراز و نشیبهای این دوره، ایران دارای نظام سیاسی نسبتاً پایداری گردید که مطابق معمول مبتنی بر استبداد کهن فردی بود، با این تفاوت که این بار مبنای تحولات جهانی، شکل تازه‌ای نسبت به قرون گذشته یافته بود و رهبران سیاسی ایران که هیچ‌گونه آشنایی با تحولات جدید جهانی نداشتند از یک سو قادر به بروز هیچ‌گونه نوگرایی در برابر این تحولات نبودند و از دیگر سو نه متکی بر قانون بودند و نه وابسته به توده مردم.

بیشتر مورخان درباره حیات اجتماعی و سیاسی ایران در عصر قاجار مطالب متنوعی را به رشته تحریر درآورده‌اند، اما آنچه در اکثر آنها مشترک است با توجه

* - دانشجوی دوره دکتری رشته تاریخ ایران، مدرس دانشگاه.



مظفرالدین شاه در اواخر عمر در میان جمعی از رجال و مقامات دربار در باغ کامرانیه (عکس از تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۰)

این نکته در ادامه حیات نظام قاجار به عامل عمده کشمکش روشنفکران و نظام سیاسی قاجار تبدیل گردید. فساد دولتمردان قاجار به مرور زمان آنقدر گسترش یافت که از دید سیاحان و نمایندگان سیاسی خارجی که در این دوره به ایران آمدند پوشیده نماند. بنجامین سفیر آمریکا که در اواسط عصر قاجار به ایران آمد سیمای رجال ایرانی را چنین ترسیم می‌نماید: «مانع بزرگی که در سر راه ترقی ایران وجود دارد فساد اخلاق عمومی کارگزاران دولت است. اغلب رجال عمده درباری و هیأت حاکمه آن مردمان نفع پرست و عاری از صفات وطن پرستی هستند، با رشوه تمام آنها را می‌توان حاضر نمود که با ترقی و سعادت ایران مخالفت کنند و استعداد آنها در دسیسه کردن برای جلوگیری از یک اقدام مفید بسیار بی نظیر است»^۱.

همچنین در یادداشتهای سفارت انگلستان که با دقت بی نظیری اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را در جهت برنامه ریزی برای کسب موقعیت و منافع بهتر

به حساسیت این دوره، استبداد سنتی و لجام گسیخته شاه و خاندان سلطنتی و وابستگان آنها بود که به شدیدترین شکل ممکن بروز می نمود: «در این دوره مقامات کشوری به شاهزادگان، خوانین و رجال درباری اختصاص داشت و نحوه به دست آوردن این مقامها هم به واسطه تعارفات و پیشکشهایی بود که به دربار ارسال می گردید. هر رجالی که پیشکشهای بیشتری به شاه و درباریان صاحب نفوذ می داد از شانس بیشتری برای به دست آوردن منطقه تحت نفوذ برخوردار می گردید»^۱.

نکته مهم در نظام اداری و سیاسی قاجار این بود که حکام ولایات عمدتاً از دوره فتحعلی شاه به بعد از شاهزادگان بودند و در محدوده حکمرانی خود همانند شاه اختیار مطلق داشتند و اکثراً پیرامون این شاهزادگان گروهی غلام و به اصطلاح نوکر بودند که یا مرعوب یا دست نشانده یا مجذوب جاه و مقام بودند.^۲

اشخاص کاردان و آزاداندیش کمتر در دستگاه اداری و سیاسی این حکام مجال فعالیت می یافتند و یگانه قانون موجود، قوانین شاه و سپس قوانین حکام بود و این شاهزادگان در مناطق تحت نفوذ، مالک جان ملتی بودند که اصطلاحاً «رعیت شاه» خوانده می شدند.

از دوران سلطنت فتحعلی شاه به بعد فساد سیاسی نظام قاجار افزایش یافت و بیشتر دولتمردان که از تحولات بین المللی بی اطلاع بودند خود به عامل مهمی در جهت عقب ماندگی ایران در این عصر تبدیل شدند و

۱- ابراهیم فخرایی، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چ سوم، ۱۳۷۱، ص ۳.

۲- گیلان در جنبش مشروطیت، ص ۴.

۳- محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، تهران، انتشارات اقبال، چاپ چهارم، جلد پنجم، ۱۳۶۱، ص ۹۲.

در نظر می‌گرفت، نکات جالبی می‌توان دریافت. در یکی از این گزارشها فضای عمومی ایران و فساد بیش از حد دستگاه اداری و سیاسی دولت قاجار و بی‌توجهی دولتمردان این سلسله به امور عمومی کشور چنین تشریح شده است: «مدتها بود که وضع ایران روز به روز تحمل ناپذیرتر می‌شد. شاه کاملاً در دست یک عده از درباریان بود که از یغمای کشور و دولت ارتزاق می‌کردند. ثروتهایی که شاه [مظفردین‌شاه] از پدر به ارث برده بود، همچنین بیشتر منافع سلطنتی و ملی را خرج نموده و ناچار متوسل به استقراض از دول بیگانه گردید و آن پولها را تماماً یا خرج مسافرتها اروپا نمود و یا با درباریان خود تبذیر نموده بود»^۱.

بنابراین با توجه به اوضاع وخیم داخلی ایران و تحولات بین‌المللی که به سرعت وقوع می‌یافت. می‌توان دریافت که مشروطیت که در زمان مظفردین‌شاه آغاز شد، زمینه‌هایی از قبل داشته است. این انقلاب پدیده تاریخی بسیار مهمی در تاریخ معاصر ایران، و دارای زوایای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود و طبقات اجتماعی مختلف با دیدگاههای فکری گوناگون در آن شرکت داشتند و در یک جمله می‌توان آن را یک انقلاب تمام‌عیار دانست که هدفش تلاش در جهت تغییر و اصلاح ساختارهای سنتی جامعه ایران برای پیشرفت در دنیای جدید بود.

با توجه به نارساییهای موجود در جامعه که بخشهایی از آن عنوان گردید. به نظر می‌رسد دو عامل اساسی در بروز مشروطیت بیش از عوامل دیگر مؤثر بود و یا حداقل عوامل دیگر تحت‌الشعاع این دو عامل بودند:

۱- ورشکستگی و وزدگی نظام سیاسی

۲- بحران مالی و اقتصادی^۲

بنابراین از جمله عوامل مهم بروز نهضت مشروطیت، فساد سیاسی ناشی از سلطنت خاندان قاجاریه بود. بر اثر نارسایی عمومی حکومت قاجار آن هم در دنیای جدید که مبنای روابط و تحولات به سمت گستردگی و پیچیدگی می‌رفت، دولتمردان قاجار که از تحولات روز بسیار عقب بودند نتوانستند مبنای درستی از رابطه بین حکومت، دولت، ملت و جایگاه قانون ارائه دهند و در نتیجه بین نظام سیاسی سنتی و خواستههای جدید مردم و هوشیاری سیاسی روشنفکران که بر اثر ارتباط بین ایران و غرب برقرار شده بود، عدم تعادل ایجاد گردید و در این میان جدای از فساد دستگاه قاجار رقابتهای خارج از قاعده روس و انگلیس در ایران بیش از هر چیز اذهان روشنفکران و طبقه آزاد اندیش را رنج می‌داد.

نقش دولتهای استعمارگر انگلستان و روسیه

مشروطه خواهی در ایران هنگامی آغاز گردید که در سراسر قاره پهناور آسیا جز کشور ژاپن در اکثر مناطق، رژیم خشن و حکومت مطلقه فردی برقرار و قسمتی از این قاره عظیم تحت سلطه دول استعمارگر اروپایی بود. امپراتوری بریتانیا پایه‌های قدرت شگرف اقتصادی خود را بر ذخائر طبیعی و انسانی شبه‌قاره هند و برمه و قسمتی از شبه جزیره عربستان و همچنین بر قاره «اقیانوسیه» و قسمتهایی از مناطق «چین» بنا نهاده بود. فرانسه و هلند در آسیای جنوب شرقی بر منابع طبیعی و انسانی منطقه مسلط بودند. امپراتوری روسیه تزاری هم که از کوههای اورال تا کرانه‌های اقیانوس آرام گسترده بود دارای یک استبداد مخوف رو به زوال بود که از درون به سوی اضمحلال پیش می‌رفت. در منطقه آسیای غربی یعنی خاورمیانه فقط دو کشور مستقل وجود داشت، ایران و عثمانی که هر دو نیز از لحاظ داخلی تحت استبداد خشن اداره می‌شدند و از نظر خارجی میدان رقابت کشورهای استعمارگر بودند.^۳

انگلستان و روسیه هر دو کشوری بودند که در سیر تحولات ایران در این عصر که به پیروزی مشروطیت منجر گردید و حتی پس از آن نقش مهمی را ایفا نمودند و هر کدام از این دو کشور با سیاستی خاص وارد میدان گردیدند و تا پایان عصر قاجار، ایران به صورت مستقیم میدان رقابت این دو ابرقدرت بود.

در اواسط قرن نوزدهم و پایان تسلط کمپانی هند شرقی پس از اینکه امپراتوری بریتانیا به صورت مستقیم قدرت را در هند به دست گرفت، این مستعمره برای انگلستان به دلیل منافع فراوانی که از آن عایدش می‌گردید، اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت و تا پایان تسلط این کشور بر هندوستان (۱۹۴۷ م)، مبنای سیاست انگلستان در این منطقه بر این اصل استوار بود که از این مستعمره به هر قیمت ممکن در برابر هر خطری محافظت نماید. لذا ایران به‌عنوان همسایه هند برای

۱- کتاب آبی یا گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطیت ایران، (ش اول، سال ۱۹۰۹)، به سعی و کوشش احمد بشیری، تهران، انتشارات نشر نو، ۱۳۶۲، ص ۲.

۲- فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت، (مجلس اول و بحران آزادی)، تهران، انتشارات روشنگران، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳- علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، انتشارات سوره، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ص ۲۲۶-۲۲۵.

انگلستان اهمیت فراوانی داشت. آنها اعتقاد داشتند که برای دفاع از هند در برابر خطرهای احتمالی مقتضی است که استقلال ایران محفوظ بماند. سیاستی که انگلستان در ایران اجرا می‌کرد، در راستای این هدف بود. اگر چه رفتار سیاسی دولت انگلستان در ایران با توجه به اوضاع روز تنظیم می‌گردید، لیکن هدف در همه حال یک چیز، یعنی دفاع از هندوستان بود.^۱

روسیه از آن جهت به ایران علاقه داشت که این کشور را یگانه راه ممکن در جهت دست یافتن به خلیج فارس و اقیانوس هند می‌دانست و ایران را پهنه‌ای تصور می‌کرد که در آن یا از طریق آن می‌تواند انگلستان را که رقیب دیرینه‌اش بود تحت فشار قرار دهد. سران مستبد روسیه هیچ‌گاه به ایرانی مستقل و نیرومند در مرزهای جنوبی خود علاقه نداشتند و طبیعتاً با صورت گرفتن اصلاحات در ایران مخالف بودند.^۲

هر دو کشور استعمارگر به علت ضعف دولت قاجار و نابسامانی وضعیت ایران در این دوره بدون اینکه ایران را تحت نفوذ مستقیم خود قرار دهند، آن را به صورت میدانی برای رقابت و کسب امتیاز می‌دانستند. این دو کشور استعمارگر در قاره آسیا دارای منافع و مرزهای مشترک بودند که این نکته همواره باعث تنش در روابط آنها بود. از جمله این مناطق در آسیای میانه، ایران و هندوستان بود. سیاست عمومی دولت‌های بزرگ همواره بر این اصل قرار داشت تا از برخورد مستقیم و حتی داشتن مرزهای مشترک با یکدیگر اجتناب ورزند. لذا این دو دولت به خصوص از نیمه دوم قرن نوزدهم به ایران به عنوان نوعی حکومت پوشالی می‌نگریستند که حایلی میان متصرفات ارزشمند آنان بود.

اگرچه پرداختن به زوایای مختلف نقش این دو دولت در تحولات ایران در این عصر از حوصله این بحث خارج است، اما در این مقال صرفاً به بررسی کلی نقش این دولت‌ها در تحولات سیاسی و ارتباط آن با گروه‌های فکری همزمان با عصر مشروطیت می‌پردازیم. لذا سیاست‌های کلی این دو دولت در عصر قاجار و تأثیر آن بر روند تکوینی گروه‌های فکری مشروطه‌خواه خلاصه‌وار آورده می‌شود.

سیاست زور

دو دولت استعمارگر عملاً هیچ‌گاه نمی‌توانستند این نکته را بپذیرند که شاه قاجار و ایران، مستقل از آنها عمل می‌نماید و یا اینکه تحت نفوذ دیگری قرار گرفته، لذا در دوره اول سلطنت قاجار دو دولت انگلستان و روسیه

به منظور برآورده ساختن اهداف خود هر کدام جداگانه در بدو امر از یک‌سو در جهت قبولاندن خواسته‌های خود و به زانو درآوردن دولت قاجار و ضعیف نمودن ایرانیان و از سوی دیگر شناساندن خود به عنوان دولت‌های قدرتمند و مسلط از سیاست تهدید و ارباب و زور استفاده نمودند که نماد بارز آن جنگ‌های ایران و روسیه در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه بود که عاقبت پس از فراز و نشیب فراوان و قطع نفوذ فرانسه، منجر به انعقاد قراردادهای تحقیرآمیز گلستان (۱۲۲۸ ه. ق / ۱۸۱۳ م) و ترکمانچای (۱۲۴۳ ه. ق / ۱۸۲۸ م) گردید و حاصل آن جدایی بخش عظیمی از مناطق سوق‌الجیشی شمال و شمال غرب ایران بود.^۳

همچنین پس از آن عهدنامه تحقیرآمیز «پاریس» بود که در فرجام جنگ‌های ایران و حکمرانان افغان هرات بر سر تصرف این شهر انعقاد یافت و در پایان این قرارداد ننگین، انگلستان بود و دولت و ملت تحقیر شده ایران که به واسطه آن در سال ۱۲۷۳ ه. ق / ۱۸۵۷ م استقلال کامل افغانستان از ایران رسمیت یافت.^۴

همچنین دو دولت استعمارگر در ادامه سیاست‌های خود عملاً دولت ایران را بر ضد دیگری تحریک می‌نمودند، که نمونه آن تحریک ایران از جانب روسیه بر ضد انگلستان در بحران هرات بود. در این دوره که از زمان سلطنت فتحعلی‌شاه آغاز می‌شد و بخشی از دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه را نیز در بر می‌گرفت ایران به دایره سیاست بین‌المللی کشیده شد و در کانون توجه سه دولت استعمارگر انگلستان، فرانسه و روسیه قرار گرفت. این در حالی بود که فتحعلی‌شاه و دربار او به‌طور کامل از اوضاع جهانی بی‌خبر بودند و به هیچ عنوان

۱- بی، ام هولت و دیگران. تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه احمد آرام، انتشارات اسیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۵۷۸.

۲- تاریخ اسلام، همان، ص ۵۷۹.

۳- مجدالاسلام کرمانی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد اول، با مقدمه محمد خلیل پور، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۰، صص ۲۳۱-۲۴۲ و نیز مهدی‌قلی خان هدایت، گزارش ایران، (قاجاریه و مشروطیت)، تهران، انتشارات نقره، چاپ دوم، ۱۳۶۱، صص ۵۹-۶۱.

۴- این عهدنامه با وساطت کنت تولستوی متفکر مشهور روسی و سفیر این کشور در فرانسه انعقاد یافت. بنگرید به گزارش ایران، صص ۸۱-۸۲ و سرپرسی سایکس. تاریخ ایران، جلد ۲، ترجمه سید محمدتقی فنخر داعی گیلانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۳، صص ۵۰۵-۵۰۶.



محمدعلی شاه و جمعی از رجال و درباریان هنگام استقرار در باغشاه (عکس از تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۰)

رجال سیاسی ایران قادر به تحلیل علل دشمنی دولتهای اروپایی با یکدیگر نبودند^۱ و دربار ایران که از مشتی رجال ناآگاه تشکیل یافته بود عملاً بازیچه دست سیاستهای خارجی دول استعمارگر گردید.

امتیازات یا نفوذ مسالمت آمیز

پس از پایان جنگهای متوالی ایران با انگلستان و روسیه، عصر جدیدی در روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران با این دو دولت گشوده شد. در این عصر به خصوص از نیمه دوم قرن نوزدهم مبنای سیاست این دو دولت گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی بود که در نهایت به نفوذ فرهنگی منجر گردید. در این زمان اروپا به سرعت به سمت توسعه و ترقی پیش رفت که در نهایت رشد نظام سرمایه‌داری را به همراه داشت. لذا اروپا نیاز به صدور سرمایه‌های خود و تأمین مواد اولیه برای صنایع خود داشت. بنابراین دو دولت استعمارگر سعی در کسب امتیازات گوناگون در ایران نمودند که از یکسو پیشرفت سرمایه‌داری آنها را به دنبال داشت و از سوی دیگر نفوذ آنها را در ایران گسترش می‌داد. در این میان دربار ایران از رجالی تشکیل یافته بود که عمدتاً به صورت رسمی وابسته به یکی از این دولتها بودند: «انگلیسی‌ها امتیازات می‌طلبند، روس‌ها نیز عوض می‌خواهند. آن دو بر مرکب آرزوهای خویش سوار می‌شوند و درباریان در پایان دلخوش می‌باشند که سیاست خارجی را نیکو رعایت کرده و خاطر شاه را آسوده کرده تا به عیش و عشرت خود بپردازند»^۲.

به هر حال اخذ این امتیازات که رقابت انگلستان و

روسیه را به همراه داشت از نظر اقتصادی و سیاسی برای آنها سود سرشار و برای ایران خفت و رشکستگی به دنبال داشت. پرداختن به این موضوع به صورت مفصل خود فرصتی جداگانه می‌طلبد ولی قسمتی از امتیازاتی که بین سالهای ۱۲۸۷ ه.ق / ۱۸۷۰ م تا ۱۳۱۹ ه.ق / ۱۹۰۱ م دو کشور انگلستان و روسیه اخذ کردند و در قبال آنها شاه و برخی دولتمردان قاجار وجوه اندکی را به عنوان رشوه دریافت نمودند بدین شرح است.

الف - انگلستان

- حق احداث سیم تلگراف از بوشهر و بندرعباس به منظور ایجاد سیم تلگراف هند و اروپا و اداره خطوط تلگراف ایران (برای کنترل مستعمرات پراکنده انگلستان).
- امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی در سال ۱۳۰۶ ه.ق به مدت شصت سال.
- امتیاز کشتیرانی در حوضه رود کارون.
- واگذاری امتیاز غیرمعمول استخراج معادن ایران به رویترو.
- امتیاز احداث خطوط تلگراف از تهران تا بلوچستان.
- امتیاز خرید و فروش دخانیات در ایران که به نهضت معروف تنباکو منجر گردید.
- داستان غم‌انگیز امتیاز و اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت و موم که ویلیام تاکس داریسی اخذ کرد.

۱- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، میلادی، ج اول، ص ۹۱.
 ۲- یحیی دولت‌آبادی. حیات یحیی، جلد اول، تهران، انتشارات فردوسی، ج اول، چاپ دوم، ۱۳۶۱، ص ۱۰۳.

ب - روسیه

- بهره‌برداری انحصاری از مراکز صید ماهی در قسمتی از سواحل دریای خزر.
- احداث سیم تلگراف بین الکساندروفکسی و تهران.
- تأسیس بانک استقراضی (به منظور رقابت معمول این دو دولت) در برابر امتیاز بانک شاهنشاهی.
- امتیاز احداث خط شوسه بین انزلی و قزوین.
- امتیاز بهره‌برداری معادن قرچهداغ در آذربایجان.
- امتیاز بهره‌برداری ۲۰ ساله از جنگلهای شمال کشور.
- امتیاز تأسیس نیروی قزاق و تربیت و آموزش نیروهای نظامی ایران که به بسط و گسترش نفوذ سیاسی و نظامی روسیه در ایران منجر گردید و نماد بارز آن شرکت مؤثر در کودتای محمدعلی شاه (که خود تحت‌الحمایه روسیه بود) و به توپ بستن مجلس اول آزادخواهان بود.^۱

وامهای خارجی یا استثمار پنهان

وامهای خارجی که دولت ایران دریافت می‌کرد آخرین حربه دو دولت استعمارگر در برنامه بلندمدت آنها برای نفوذ و رقابت در ایران بود. این وامها عموماً در جهت تأمین مخارج سفرهای خارجی ناصرالدین شاه و فرزندش مظفردالدین شاه اخذ می‌گردید. این سفرها برای امور شخصی آنها بود نه امور جاری کشور و عملاً گام دیگری بود که دولتمردان نادان قاجاری آگاهانه خود و مردم رنج‌کشیده ایران را بیش از پیش در چنگال این دو دولت استعمارگر قرار می‌دادند. خزانه دولت قاجار همچون چاهی بدون ته بود که هرگز بی‌نیاز از پول نبود و دولت قاجار که عملاً هیچ‌گونه تفکر مثبت و سازنده در جهت احیای اقتصاد کشور و کسب درآمد نداشت، برای جبران کسری بودجه خود که عملاً صرف ریخت و پاش‌های شاه و شاهزادگان ریز و درشت قاجار و اطرافیان می‌گردید دست به این عمل زد، و در این میان دو بانک شاهنشاهی انگلستان و استقراضی روسیه در ظاهر به صورت سخاوتمندانه و دوستانه و در باطن حریصانه و در طی رقابتی شدید برای دریافت امتیازات و بهره‌های جدید، این وامها را با بهره‌های بالا در اختیار ناصرالدین شاه و مظفردالدین شاه قرار می‌دادند که هر دو اشتیهای سیری‌ناپذیری برای بلع این پولها داشتند. نکته جالب توجه این بود که اختیار و انحصار پرداخت وامهای خارجی به دولت قاجار در دستان این دو کشور قرار داشت و آنها در عوض پرداخت وامها، نه تنها بهره‌های بالایی طلب می‌نمودند، بلکه منافع اقتصادی ایران را نیز به‌عنوان وثیقه تا بازپرداخت وامها نزد خود

نگاه می‌داشتند و به استفاده خودسرانه از این منافع نیز می‌پرداختند در این باره می‌نویسند:

«ایران را بی‌سرو سامانی و پریشانی فرا گرفته، روس از یک سو می‌کشد و انگلیس از یک سو، ترکیه [عثمانی] هم سری توی سرها می‌آورد. دولت یکجا بیست و دو و نیم میلیون روبل با درصد پنج [پنج درصد بهره] یازده کرور تومان [با] درصد چهار [چهار درصد بهره] به دولت روس مقروض است. دو بیست و نود هزار لیره به انگلیس [و] گمرکات، وثیقه قرض است، خزانه خالی است و دولت محتاج پول...»^۲

از جمله فعالیت‌های اقتصادی دو دولت روسیه و انگلستان در ایران انحصار تجارت خارجی ایران همچون انحصار پرداخت وامهای دولتی بود که این خود مشکلی دیگر جدای از ناامنی، پریشانی اوضاع اقتصادی و عدم امنیت شغلی تجار ایرانی در عصر قاجار بود.^۳

از نیمه دوم قرن نوزدهم تجارت خارجی ایران توسعه یافت. مؤسسات تجاری اروپایی و شعبات آنها در برخی از نقاط مهم ایران دارای نمایندگی بودند، ولی در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم انگلستان و روسیه موافقت‌نامه‌های گمرکی را با دولت ایران به امضا رساندند که این موافقت‌نامه‌ها به تدریج راه ورود کالاهای انگلیسی و روسی را به ایران بیش از پیش باز نمود، تجارت بازرگانان ایرانی با این دو دولت و شرکت‌های وابسته به آنها همواره به نفع مؤسسات وابسته به این دولتها بود و صادرات کالاهای ایرانی به این دو کشور که بازرگانان ایرانی انجام می‌دادند بسیار اندک بود. به‌عنوان نمونه صادرات انگلستان به ایران چهار برابر واردات به این کشور بود. در نتیجه ورود کالاهای وارداتی از این دو کشور به تدریج باعث کساد کاری و صنعت و اشتغال در این زمینه گردید که این نکته بر کمبود ذخیره ارزی ایران

۱- ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۲۴۰ و ۲۴۶ و ۲۵۷ و ۲۵۹ و ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۳۲.

۲- گزارش ایران، صص ۱۷۰-۱۶۹.

۳- بازرگانان ایرانی نه تنها در انجام امور اقتصادی مشکلات فراوانی با دولتهای انگلستان و روسیه داشتند، بلکه از نظر داخلی نیز علل و عوامل متعددی باعث جلوگیری از رشد فعالیت‌های اقتصادی آنها و رشد اقتصاد و سرمایه‌گذاری در این امور می‌گردید. ن. ک. بد: احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار. تهران، انتشارات زمینه، ۱۳۵۹.

(که خود باعث اخذ وامهای خارجی می‌گردید) از یکسو و خرابی وضع تجارت و اقتصاد و نارضایتی بازرگانان از سوی دیگر تأثیر داشت.^۱ و این نکته باعث گردید تا به تدریج اندیشه‌های مبارزات اقتصادی و سیاسی به این قشر نیز راه یابد.

بدین ترتیب با گسترش فساد سیاسی دولت قاجار، که توانایی لازم برای مهار امور و انجام اصلاحات عمیق مطابق جریانهای روز را نداشت و فشار دو دولت انگلستان و روسیه که ایران را پهنه وسیعی برای رقابت با یکدیگر تصور می‌کردند، به تدریج متفکرانی پدید آمدند که تحت تأثیر تحولات دنیای آن عصر و با ایجاد روابط میان ایران و کشورهای دیگر در صدد یافتن راه حلی برای حل معضلات جامعه ایران بودند.

گروههای فکری، انگیزه‌ها و اهداف

نهضت مشروطیت از نوع جنبش‌های آزادیخواهانه طبقه متوسط شهرنشین بود و از شهرها آغاز گردید. مردم ساکن در روستاها در آن دوره به دلیل قرار داشتن در زیر یوغ زمینداران بزرگ و خوانین و بالطبع بی‌خبری از دنیای خارج که حاصل عملکرد خوانین بود در پدید آوردن و تکامل نهضت نقش چندانی نداشتند. مهمترین عناصر مشروطیت را دموکراسی و تفکرات برگرفته از غرب تشکیل می‌داد. در این جنبش و سیر تکوینی آن از نظر فکری چند گروه عمده شرکت داشتند که عبارت بودند از:

- روشنفکران اصلاح‌طلب و انقلابی.

- روحانیون روشن‌بین و اصلاح‌طلب.^۲

- بازرگانان و تجار: این گروه نیز که فعالیتهای اقتصادی جدید را مدتها بود آغاز کرده بودند از یک طرف با آغاز فعالیتهای جدید و کسب سود به دنبال کسب پایگاه اجتماعی تازه‌ای بودند که تا آن زمان کم و بیش از داشتن آن محروم بودند و از دیگر سو با توجه به نداشتن امنیت شغلی و سرمایه کافی و نبودن تضمین کافی در جهت انجام فعالیتهای سالم اقتصادی بدون دخالت دولتهای استعمارگر و ضعف دولت قاجار، در کنار سایر گروهها وارد میدان گردیدند.^۳

به‌طور کلی می‌توان چگونگی بروز تفکرات جدید در ایران را که در روند تکوینی مشروطیت مؤثر بود در این عوامل خلاصه نمود.

- تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان مستعد برای اصلاح‌طلبی.

- برقراری ارتباط با کشورهای اروپایی و ایجاد اندیشه‌های تازه درباره ساختار سیاسی جامعه و در ادامه

آن انتشار آثار فکری و قلمی داخلی و خارجی درباره اوضاع داخلی ایران.

حال در مبحث زمینه‌های فکری مشروطیت به بررسی مختصر این عوامل و تأثیر آنها بر ایرانیان و به‌خصوص روشنفکران می‌پردازیم. در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار و پس از پایان جنگهای ایران و روس و شکستهای ناشی از آن و نمودار شدن ضعفهای نظامی و سیاسی و اقتصادی ایران و در پی آن آمد و رفت بدون نتیجه هیأت فرانسوی به رهبری ژنرال گاردان، عباس‌میرزا نایب‌السلطنه فتحعلی‌شاه که می‌توان از وی به‌عنوان پیشرو روشنفکری در خاندان قاجار یاد کرد، با پی بردن به ضعفهای عمده نظام سیاسی و اجتماعی ایران و با همفکری قائم مقام فراهانی تصمیم به انجام اصلاحاتی در ساختار کلی نظام ایران گرفت. از وی و قائم‌مقام می‌توان به‌عنوان پیش‌تازان نوگرایی ایران نام برد. بنابراین وی در یک عمل بزرگ اقدام به اعزام گروهی دانشجوی ایرانی به اروپا برای تحصیل و اخذ فرهنگ غرب نمود. اولین گروه دانشجویان ایرانی در سال ۱۲۳۵ هـ. ق/ ۱۸۱۵ م برای تحصیل در رشته‌های مختلف به اروپا از جمله انگلستان اعزام گردیدند، که از جمله آنها می‌توان به «میرزا صالح» اشاره نمود که پس از بازگشت اولین روزنامه ایران را منتشر کرد. همچنین وی در طول اقامتش در اروپا سفرنامه‌ای نگاشت که متضمن دیده‌ها و شنیده‌هایش درباره اروپا بود و از جمله آن می‌توان به بررسی ابعاد مختلف مشروطه انگلستان اشاره نمود.

در دوره سلطنت طولانی ناصرالدین‌شاه که حدود پنجاه سال به طول انجامید و پس از پایان جنگهای ایران و انگلستان برای تسلط بر هرات و انعقاد قرارداد خفت‌بار «پاریس» یک آرامش نسبی بدون جنگ در ایران پدید آمد. با ایجاد این آرامش، روند اعزام دانشجو به اروپا فزونی گرفت. و در این عصر بود که با گذشت زمان آرام‌آرام گروهی از روشنفکران که از قبل به اروپا رفت و آمد داشتند، تحت تأثیر فرهنگ غرب و تحولات گسترده کشورهای غربی در قرن نوزدهم قرار گرفتند. بنابراین دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه به‌خصوص پس

۱- م. س. ایوانف، انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه کاظم انصاری، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی. چاپ سوم، ۱۳۵۷، ص ۱۴.

۲- فریدون آدمیت، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران، انتشارات پیام، چ سوم، ۱۳۶۳، ص ۳.

۳- فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت، ص ۴.

از پایان جنگ، نقطه عطفی در بسط و گسترش اعزام دانشجویان ایرانی و همچنین ایجاد تحول فکری در میان روشنفکران و انتشار آثار مختلف بود. با روند فزاینده اعزام دانشجویان به اروپا هر کدام به فراخور درک و فرهنگ خود تحت تأثیر اندیشه‌ها و فرهنگ حاکم بر کشورهای اروپایی و پیشرفت‌های فرهنگی، علمی و اقتصادی آنان قرار گرفتند و در نهایت به بررسی علل و عوامل عقب‌ماندگی نظام سیاسی و اجتماعی جامعه ایران پرداختند و با مقایسه حکومت‌های پیشرفته اروپایی با نظام سنتی و عقب‌مانده ایران به این نتیجه رسیدند که نداشتن قانون و مقررات خاص و نبود اصلاحات از علل اصلی ضعف ایران است. در این عصر یا به عبارت بهتر قرن نوزدهم میلادی اروپا خود دچار تحولات فراوانی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود. بنابراین اکثر دانشجویان ایرانی که در اروپا به تحصیل اشتغال داشتند، تحت تأثیر این حوادث که دارای جنبه‌های فراگیر نیز بودند قرار گرفتند. از جمله این تحولات می‌توان از اصلاحات قانون اساسی انگلستان، انقلاب صنعتی و پیامدهای آن و انقلاب‌های بزرگ ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ فرانسه که در ادامه انقلاب کبیر فرانسه بود نام برد که هر کدام از اینها تأثیر فراوانی بر کشورهای دیگر نهادند و تأثیر آن در نوشته‌های روشنفکران آشکار بود، و نسل‌های بعدی نیز با مطالعه آنها بر وسعت دید خود می‌افزودند. از جمله پیشروان گروه‌های فکری در عصر قاجار می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ احمد روحی کرمانی اشاره نمود که به میزان وسیع با آثار خود بر قشر روشنفکر در دوره‌های بعد تأثیر نهاده بودند.^۱

در همان حال که اعزام دانشجویان و رفت و آمد ایرانیان به اروپا ادامه داشت، کتابها و آثار مختلفی درباره نهضت‌های رهایی‌بخش و انقلابی و افکار سایر جوامع در ایران رواج یافت، که بیشتر به دست تحصیل‌کردگان اروپایی که به زبان آن کشورها مسلط بودند ترجمه می‌شد و در اختیار دیگران قرار می‌گرفت. از جمله این آثار کتاب «سیاحت‌نامه ابراهیم بیک» اثر حاج زین‌العابدین یازرگان ایرانی بود که پس از بازگشت از اروپا آن را منتشر نمود و در آن به انتقاد از اوضاع ایران پرداخت.

همچنین از این آثار می‌توان به منظومه «میکادونامه» پرداخته حسینعلی شیرازی و «تاریخ شورش مردم روسیه» اشاره نمود.^۲ کتاب اول درباره حرکت غیرتمندانه ملت کوچک ژاپن در برابر امپراتوری عظیم

روسیه در جنگ دریایی ۱۹۰۴ م بود، که به شکست این استعمارگر بزرگ که مورد نفرت ایرانیان بود انجامید و کتاب دوم شرح نبرد علنی ملت بزرگ روسیه بود که در تلاش برای کسب آزادی و گسستن زنجیرهای استبداد «تزاریسیم» مبارزه نمودند.

این افکار و آرا نیز در کنار سایر عوامل بر اذهان روشنفکران تأثیر خود را می‌نهاد و انعکاس این اخبار از جمله روند مشروطه آرام و بدون خونریزی در ژاپن بر تفکرات آزاداندیشانه دامن می‌زد.^۳

به هر ترتیب در یک بررسی کلی درباره دانش‌آموختگان و روشنفکران غربی می‌توان این نکته را دریافت که روشنفکران این عهد که به اصطلاح آن روز «منورالفکر» خوانده و شناخته می‌شدند به دنبال ایجاد ساختارهای جدید در روند تکوینی فرهنگ ایران بودند که همگی تازگی داشت. کاربرد الفاظ و کلماتی همچون «آزادی» و «ارزشهای نوین» در این دوره آغازی بود برای شکل‌گیری نظریه‌های نهضت مشروطیت که همگی آنها به دنبال تغییرات عمده و عمیق در ساختارهای تشکیل‌دهنده جامعه سنتی ایران بودند.^۴

بنابراین منورالفکرها برای رسیدن به این اهداف با توجه به وضعیت موجود و جدید بودن این افکار، روشهای مختلفی را در پیش گرفتند. آنها گاه با شاه بر ضد گروه‌های سنتی و گاهی نیز با روحانیون بر ضد شاه همراهی می‌شدند و همچنین برخی از آنها نیز تحت تأثیر قدرتهای غربی قرار می‌گرفتند.

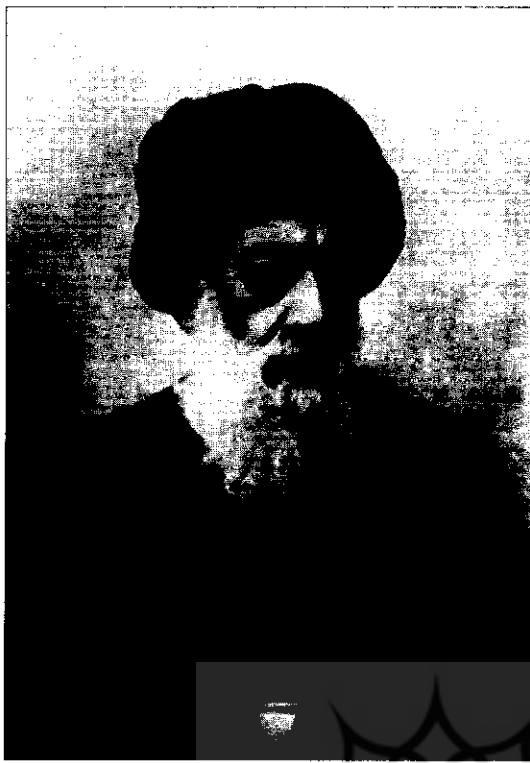
در زمینه‌سازی برای آغاز مشروطیت، پیوند مشترک و نسبتاً محکمی بین روشنفکران و روحانیون برای نیل

۱- درباره زندگی شیخ احمد روحی کرمانی بنگرید به ناظم‌الاسلام، کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، بخش اول، ۱۳۶۱، صص ۱۵-۱۳.

۲- احمد کسروی تبریزی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۳، ص ۱۸.

۳- فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت، ص ۴۰.

۴- به‌عنوان نمونه سیدحسن تقی‌زاده که از روشنفکران معروف ایران در عصر مشروطیت بود و در روند تکاملی مشروطه نقش مهمی را ایفا نموده بود. سالها بعد از جنگ جهانی اول در سرمقاله نشریه کاوه می‌نویسد: «ایران باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود و پس... سیدحسن تقی‌زاده، دوره جدید، نشریه کاوه، سری جدید پس از جنگ برلین، شماره اول، ۱۳۳۸ ه. ق / ۱۹۲۰ م.



سید محمد طباطبایی از رهبران روحانیت آزادیخواه

پیوستگی روحانیت و روشنفکران

عملاً از ابتدای تاریخ، تفکرات دینی پیوند عمیقی با مردم ایران داشت و مردم ایران ملتی مذهبی بودند چه قبل از اسلام و چه پس از ظهور دین اسلام. به خصوص پس از اسلام مردم ایران به مذهب تشیع گرایش عمیقی داشتند. بنابراین مشخص بود که روحانیون به عنوان نمایندگان امور مذهبی و تفکرات دینی در بین مردم از احترام عمیقی برخوردار بودند. همچنین تفکرات دینی، به خصوص احترام و علاقه به تشیع نشأت گرفته از قیامهای ملی و مذهبی مانند «قیام عاشورا»، «قیام علویان» و «سربداران» بود و پس از رسمی شدن مذهب تشیع دوازده امامی در دوره صفوی مردم ارتباط عمیقی با تشیع و روحانیت برقرار نمودند.

۱- یرواند آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و دکتر محسن شاه‌چی، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۵. همچنین نویسنده کتاب تشیع و مشروطیت در ایران نیز عنوان می‌نماید سید جمال‌الدین اسدآبادی به احتمال قریب به یقین طراح پیوستگی میان روحانیت و روشنفکران بوده است. بنگرید به عبدالهادی حائری، *تشیع و مشروطیت در ایران*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۵۹.

به هدف مشترک یعنی مهار قدرت لجام‌گسیخته شاه ایجاد گردید و این افراد محور اصلی حرکت برای پیشبرد مشروطیت گردیدند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. از جمله افرادی که در تدوین و تکوین این سیاست نقش عمده‌ای را ایفا نمودند می‌توان از سید جمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله نام برد.^۱

روشنفکران و اصلاح‌طلبان هر چه می‌گذشت و به هر طریق ممکن سعی می‌کردند تا اهداف خود را به پیش برند و هر کدام با افقهای فکری گوناگون، ولی با هدف مشترک از اهمیتهای مختلف نظیر نفوذ در مراکز قدرت، نفوذ در میان مردم، انتشار نشریات متعدد و نفوذ در میان بازرگانان استفاده می‌کردند.

در اینجا صرفاً به ذکر اسامی برخی از آنها که در روند تکوینی مشروطیت مؤثر بودند و حرکات آنها در نهایت منجر به پیروزی مشروطیت گردید بسنده می‌گردد:
- عباس میرزا، نایب‌السلطنه فتحعلی شاه.
- قائم مقام فراهانی، مشاور عباس میرزا و صدراعظم فقید محمدشاه قاجار.

- میرزا تقی‌خان امیرکبیر، از رجال سیاسی عصر محمدشاه و صدراعظم فقید ناصرالدین شاه.

- سید جمال‌الدین اسدآبادی، روح سرگردان امت اسلام و طراح اصلی طرح وحدت جهان اسلام علیه استعمار.
- میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، مدیر روزنامه قانون و مؤسس فراموشخانه در ایران.

- میرزا یوسف مستشارالدوله از روشنفکران و نویسندگان عصر قاجار و خالق و نویسنده رساله یک کلمه.
- امین‌الدوله صدراعظم ناصرالدین شاه، که طرحهایی در جهت اصلاح ساختار اداری ارائه نمود ولیکن دولتش مستعجل بود.

- میرزا حسین‌خان سپهسالار، که از تحصیل‌کردگان اروپا و از رجال سیاسی قاجار بود و در نهایت به صدارت عظمای ناصرالدین شاه برگزیده شد، وی دارای تفکرات اصلاح‌طلبانه بود.

در جریان تکامل فکری که به پیروزی مشروطیت منجر گردید می‌توان از افراد دیگری نیز نام برد که شرح حال و عقاید هر یک، خود مجال مفصلی می‌طلبند. نکته قابل ذکر در اینجا این است که هر کدام از این افراد به تنهایی و یا با همکاری دیگران در این مسیر به نحوی تأثیرگذار بودند و آثار وجودی و فکری آنها در نسلهای بعدی تأثیرات فراوانی داشت.



گروهی از روحانیون آزاداندیش بر لزوم تغییرات در ساختارهای تشکیل‌دهنده جامعه ایران تأکید داشتند

بنابراین پیوستگی میان روشنفکران و روحانیون در مورد هدف مشترک یعنی مهار و یا محور رژیم استبدادی لازم به نظر می‌رسید که با توجه به گرایش عمیق مردم به رهبران مذهبی و نقش آنها در بسیج توده‌های مردم با اتحاد و اتفاق دو روحانی مبارز شادروان طباطبائی و بهبهانی حرکت به سوی انقلاب آغاز گردید.^۲

در این عصر گروهی از روحانیون آزاداندیش نیز همگام با دیگران بر لزوم تغییرات در ساختارهای تشکیل‌دهنده جامعه ایران تأکید داشتند که در این میان می‌توان از افرادی همچون آیت‌الله طباطبائی و بهبهانی نام برد که رهبری روحانیت روشنفکر را برعهده داشتند. آنها با درک اوضاع روز بر لزوم تغییرات و اصلاحات واقف بودند، نکته مهم درباره این ائتلاف این بود که ائتلاف روشنفکران و روحانیون که رهبری اصلی جنبش را برعهده داشتند پس از پیروزی دچار اختلاف گردید که بخشی از آن ناشی از عدم تجربه کافی آنها برای ادامه روند کار بود.

بدین ترتیب روشنفکران در جهت پیشبرد اهداف خود با روحانیت روشنفکر همگام گردیدند، زیرا روحانیت به علت پیشوایی معنوی قشرها و توده‌های مردم در آن عصر از اهمیت فراوانی در جامعه ایران برخوردار بودند و نقش آنها در واقعه «رژمی»^۱ که عملاً خود زمینه‌ساز اصلی مشروطیت در اوج نارضایتی مردم بر ضد استبداد و استعمار به رهبری روحانیت بود نشان داد و ثابت نمود که رهبران روشنفکر مذهبی از مهمترین و مؤثرترین اشخاص بودند که می‌توانستند اندیشه‌های جدید را به گوش مردم کوچه و بازار برسانند.

۱- درباره واقعه رژمی یا همان جنبش معروف تنباکو بنگرید به ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران. از سری انتشارات کتابهای جیبی و نیز فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۲-۱۸۶۴ م). ترجمه منوچهر اسیری. تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱، صص ۲۵۴-۲۳۰، در این باره کسروی معتقد است این امتیاز اوج نارضایتی مردم از نفوذ اروپاییان و در رأس آن انگلستان بود که روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌گردید و با رهبری روحانیت این جنبش آغازی بود بر تغییرات و تحولات در ایران. بنگرید به: احمد کسروی تبریزی، تاریخ مشروطه ایران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفدهم، ۱۳۷۳، ص ۱۵.

۲- درباره نقش روحانیت در تحولات عصر قاجار، بنگرید به احمد الگار، دین و دولت و نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه احمد سری، تهران، انتشارات طوس، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

به صورت غیررسمی ایجاد گردید و اندک اندک با فزونی یافتن روزنامه‌ها و مطالب متنوع در آنها سانسور به صورت رسمی در درون دستگاه اداری دولت قاجار پدید آمد.^۳

روزنامه‌های منتشر شده در خارج از کشور

از جمله عوامل مهمی که در بیداری افکار عمومی و برقراری نهضت و ایجاد دموکراسی در ایران نقش مهمی ایفا نمود مطبوعات بودند که همان‌طور که عنوان گردید با افشاگریهای خود و درج آخرین خبرهای ایران و جهان در تنویر افکار عمومی می‌کوشیدند. با افزایش تعداد روزنامه‌ها و افشاگریهای آنها دستگاه سانسور دولت قاجار به راه افتاد و با تمام قوا کوشید تا از اشاعه افکار آزادیخواهانه مطبوعات جلوگیری نماید. لذا تعدادی از اصلاح‌طلبان و میهن‌پرستان به علت عدم نشر آزادانه اندیشه‌های مترقیانه مردمی در ایران فصل نوینی را در انجام فعالیتهای روزنامه‌نگاری گشودند. این افراد که به صورت تبعید در خارج از کشور، به سر می‌بردند چنین ارتباطی را پدید آوردند و با آسودگی خاطر و به دور از دخالت «اداره انطباعات مبارکه» یا سانسورچیان دستگاه قاجار قلم را برای کسب آزادی به کار گرفتند.

از جمله روزنامه‌هایی که در خارج از کشور منتشر گردید «اختر» بود که به یاری سفیر ایران در عثمانی و به مدیریت «محمدطاهر تبریزی» و نویسندگی «میرزا نجفعلی خان خوئی» ایجاد گردید. همچنین از دیگر نشریات طبع شده در خارج از کشور می‌توان از «قانون» که در لندن و به مدیریت میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله به چاپ می‌رسید و همچنین «جبل‌المتین» در کلکته هند و «ثریا» و «پرورش» و «حکمت» در مصر نام برد.^۴

نویسندگان این روزنامه‌ها اکثراً با گرایشهای فکری مختلف که بیشتر نشأت گرفته از تحولات جهانی در آن عصر بود، بر لزوم اصلاحات پافشاری می‌نمودند. به‌عنوان نمونه میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله که از ارامنه

۱- درباره مطبوعات ایران در عصر قاجار و سیر تکاملی آن بنگرید به ادوارد گرنویل براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ۳ ج، ترجمه رضا صالح‌زاده، تهران، نشر کانون معرفت، ۱۳۴۱ و ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۵۶۲-۵۵۹.

۲- کهن گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، جلد اول، ۱۳۶۰، ص ۳۱.

۳- درباره چگونگی سانسور مطبوعات در عصر قاجار بنگرید به تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ص ۴۹-۵۳.

۴- تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ص ۱۰۱.



میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله مدیر روزنامه قانون

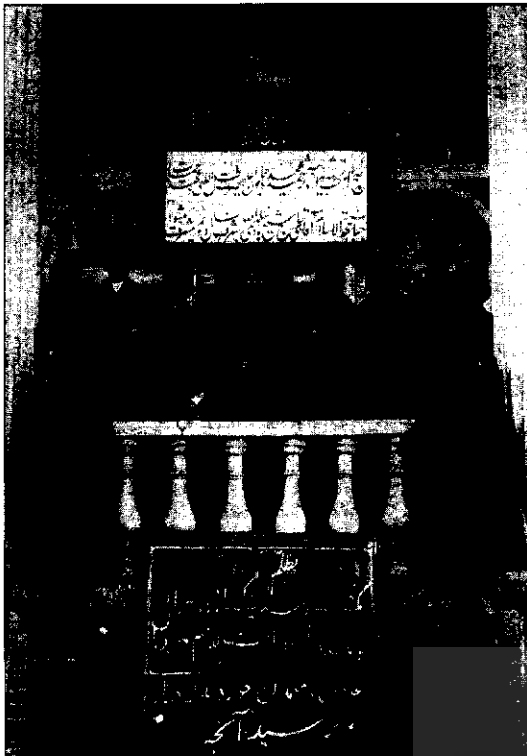
نقش مطبوعات در تنویر افکار عمومی

میرزا صالح شیرازی پس از بازگشت از اروپا اولین روزنامه را به زبان فارسی منتشر نمود. این روزنامه به نام «کاغذ اخبار» در تاریخ دوشنبه ۲۵ محرم سال ۱۲۵۳ ه. ق / ۱۸۷۳ م منتشر گردید.^۱

دومین روزنامه ایران در عصر قاجار به همت شادروان میرزا تقی خان امیرکبیر به نام «وقایع اتفاقیه» در تاریخ جمعه ۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ ه. ق / ۷ فوریه ۱۸۵۰ م انتشار یافت، این روزنامه با چاپ سنگی در چهار تا هشت صفحه به وسیله دولت به‌طور هفتگی با درج اخبار ایران و جهان و مقالات سودمند علمی در تهران به چاپ می‌رسید.^۲

این حرکت نیز در کنار سایر اقدامات امیرکبیر در جهت هدف وی یعنی تغییرات بزرگ در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایران انجام پذیرفت که سیر تدریجی این حرکت در آگاه‌سازی عمومی از تحولات داخل و خارج از ایران مؤثر بود.

ولیکن همزمان با چاپ روزنامه وقایع اتفاقیه و روند آگاه‌سازی جامعه از وقایع روز که طبیعتاً خوشایند مستبدینی همچون ناصرالدین‌شاه نبود دستگاه سانسور



مدرسه رشدیه از اولین مدارس جدید

جلفای اصفهان و از روشنفکران مشهور بود در سرمقاله یکی از شماره‌های روزنامه قانون در لندن درباره هرج و مرج و نبود قانون مطلبی جنجالی را نگاشت که برخی قسمت‌های آن بدین شرح است: «... [امروز] ایران مملو از نعمات خدادادی است. چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته، نبود قانون است. هیچ کس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون، سرتیپ معزول می‌کنیم بدون قانون. خزانه می‌بخشیم بدون قانون، شکم پاره می‌کنیم بدون قانون. در هند، پاریس، در تفلیس، در مصر، در استامبول حتی در میان ترکمن هر کس می‌داند که حقوق و وظایف او چیست. در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست و خدمت کدام...»^۱

و به این ترتیب بود که اکثر روشنفکران با بی‌پروایی با توجه به آزادی قلمی که در کشورهای مختلف وجود داشت و با گرایشهای فکری گوناگون که حاصل تحصیل و زندگی آنها در کشورهای دیگر بود اوضاع و احوال ایران را مورد نقد و بررسی و تفسیر قرار می‌دادند. بنابراین با توجه به این موارد و انتشار مقالات بعضاً تند و آتشین، فضای ایران بیش از پیش آماده می‌گردید.^۲

نقش مدارس جدید در رشد فرهنگ عمومی

مدارس جدید در ایران به همت «حاجی میرزا حسن رشدیه» پایه‌گذاری شد، وی از خانواده‌ای مذهبی و از اهالی تبریز بود. در جوانی به بیروت رفت و در آنجا مدارس را دید و شیوهٔ تعلیم آنها را فرا گرفت و چون به تبریز بازگشت، مدارسی را به شیوهٔ آنها بنیان نهاد و اولین مدرسهٔ جدید در سال ۱۳۰۵ ه. ق تأسیس گردید. وی سپس مدتی ایران را ترک کرد و چند سالی را در قفقاز و مصر گذراند. سپس به ایران بازگشت و به تدریس در این مدارس پرداخت. هنگامی که امین‌الدوله والی آذربایجان شد از اقدامات حاجی حسن حمایت نمود و پس از اینکه به مقام صدراعظمی ارتقا یافت، حاجی حسن را با خود به تهران برد و زمینهٔ تأسیس این مدارس را در تهران نیز فراهم آورد.^۳ سبک تعلیم جدید و آموزشهای نو با اصول پیشرفته تغییرات گسترده‌ای را در نظام آموزشی ایران پدید آورد. زیرا مکتبخانه‌ها در آن دوره عبارت از دکه‌هایی بود که در بازارها و سرگذرها و گاهی در مساجد کوچک برای تعلیم و تربیت کودکان دایر بودند و در آنها به شکل ابتدایی آموزشهای مختصری به کودکان می‌دادند.^۴ بنابراین در عصر جدید این نوع تعلیم و تربیت نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای جدید جامعه باشد که مدتها بود از طریق ارتباطات بین‌المللی دچار تحولات عمیقی شده بود.

۱- ایران بین دو انقلاب، ص ۸۸، به نقل از روزنامهٔ قانون، شمارهٔ اول، بهمن ۱۲۶۸، تحت عنوان «خدا به ایران لطف کرده است».

۲- دکتر کاتوزیان به صراحت بیان می‌نماید که روزنامه‌نگاران بیش از هر گروه دیگر به شعارهای قانون، حقوق سیاسی و امنیت فردی اعتقاد داشتند و بد پیشرفت ایران عشق می‌ورزیدند. بنگرید به کاتوزیان، محمدهمایون، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسلهٔ پهلوی، ترجمهٔ محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات مرکز، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص ۱۰۵ و این در حالی بود که پس از پیروزی انقلاب مشروطیت نه تنها این سیر خاموش نگرديد، بلکه آزادیخواهان بیش از پیش برای اشاعهٔ افکار خود با توجه به آزادی قلمی که به‌وجود آمده بود اقدام به انتشار روزنامه و نشریات به صورت وسیع در سطح کشور نمودند که با توجه به حوادث مختلف کم و بیش تا پایان دوران قاجار ادامه یافت. دربارهٔ این مطبوعات و عناوین آنها بنگرید به اسناد مطبوعات، به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی‌نژاد، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۲ جلد، ۱۳۷۲.

۳- کسروی می‌نویسد: حاجی حسن رشدیه تحت تأثیر مطالب روزنامهٔ اختر دربارهٔ مدارس اروپایی اقدام به این عمل نمود. بنگرید به تاریخ مشروطه در ایران، چاپ چهاردهم، ص ۱۹-۲۱، همچنین دربارهٔ زندگینامهٔ وی بنگرید به حیات یحیی، ص ۱۸۱.

۴- حیات یحیی، ص ۱۸۱.

بدین ترتیب ایجاد مدارس جدید گام مهمی در بالا بردن سطح آگاهی جامعه بود. پس از مرگ ناصرالدین شاه و هیجانات ناشی از آن مدارس می توانست بسیاری از قابلیت های موجود، افکار تازه و احساسات را در یک قالب مشخص که همانا فرهنگ بود جمع آوری نماید و در مسیر مشخص قرار دهد.^۱

و بالاخره اینکه عصر قاجار دورانی منحصر به فرد در تاریخ ایران نسبت به دوران پیش از خود بود. در این دوران مفهوم اصلاحات و اصلاح گری در معنای جدیدی برای اولین بار برای مردم ایران مطرح گردید. در این عصر افرادی همچون قائم مقام فراهانی و میرزا تقی خان امیر نظام پدید آمدند که اولین اقدامات اصلاحی را در برابر استبداد سنتی شاهان ایران پدید آوردند و در نهایت جان خود را بر سر این کار نهادند. یا مرگ آنان نه تنها اصلاح گری متوقف نگردید، بلکه اقدامات علمی و فرهنگی آنان نظیر برقراری ارتباط با دنیای جدید و تأسیس مدرسه دارالفنون و مطبوعات عملاً به ایجاد زمینه ای در جهت رشد و شکوفایی تفکرات جدید در نسل های بعد منجر گردید.^۲

دوران سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه دورانی حساس و سرنوشت ساز در زمینه سازی برای مشروطه خواهی بود. در زمان سلطنت وی که بخش عمده ای از آن در آرامش نسبی بدون جنگ گذشت بر خورد عقاید گروه های مختلف فکری از یک سو و رقابتهای دولتهای استعمارگر از سوی دیگر به اوج خود رسید و در ورای همه آنها استبداد رو به زوال رژیم قاجار بود که هر چقدر به پایان خود نزدیک می شد بر خشونت آن افزوده می گشت و عملاً جامعه را به سوی ابتذال می کشاند. بنابراین دوره سلطنت ناصرالدین شاه به نوعی عصر تضاد میان عناصر روشنفکر و مستبد و استعمارگر بود و در این زمان عملاً گروه های فکری فرصت یافتند تا دوران رشد و بلوغ خود را طی نمایند.

با ترور ناصرالدین شاه که از حامیان اصلی ارتجاع بود و خود به سد محکمی در برابر اصلاحات تبدیل شده بود ناگهان ورق برگشت و هیبت استبداد شاه و دربار شکست و تحولی عمیق در جامعه پدید آمد و تفکرات جدید، مجال یافت تا در جامعه جدید مطرح شود. با توجه به این نکته می توان گفت که صفوف مستبدین پس از ترور ناصرالدین شاه دچار شکاف عمیقی گردید و خلأ عمده ای در نظام سیاسی قاجار پدید آمد. تعقل اجتماعی آرام آرام در فضای جدید افزایش یافت و می رفت تا از طبقه نخبه اجتماعی بگذرد و در این گذر به قشر طبقه متوسط شهرنشین نیز راه یابد.^۳ در این عصر شاگردان

مدارس جدید که با تفکرات جدید آشنا شده بودند، قدم به سن رشد نهادند و عملاً در محیط اجتماع در کنار مطبوعات به کانون اصلی نشر افکار جدید تبدیل شدند. اصلاح طلبان در دوران گذر از استبداد به مشروطیت تلاش های فراوانی در جهت اصلاحات انجام دادند که از آن جمله می توان به اقدامات «میرزا حسین خان سپهسالار» در نظام سیاسی در حال فروپاشی قاجار اشاره نمود. وی از جمله تحصیل کردگان غرب بود که توانست به مقام صدارت عظمی ارتقا یابد.^۴

به هر ترتیب یک نکته مهم را در اینجا باید در نظر گرفت و آن اینکه عناصر فکری اگر چه دارای پشتوانه نسبتاً قوی فکری در جهت خواسته های خود بودند لیکن آنها عملاً در زمینه سازی برای پیروزی مشروطیت فاقد پایگاه قوی مردمی بودند که این نکته عملاً به دلیل آن بود که میان تفکرات آنان و درک عمومی توده های مردم فاصله زیادی وجود داشت و برای نزدیکی آنها می بایست زمان طولانی صرف نمود. با وجود این روشنفکران در این وهله در جهت امحای استبداد لجام گسیخته شاهان قاجار با روحانیون روشن بین که آنها نیز نگران استبداد شاهان قاجار و نفوذ فرهنگی استعمارگران بودند همگام شدند، اگر چه از نظر آرمانها تفاوت های زیادی میان آنها وجود داشت. به هر ترتیب با جانفشانی ها و ایثار فراوان، انقلاب مشروطه اول به ثمر رسید و اولین مجلس آزادیخواه در سیزدهم مهرماه ۱۲۸۵ ه. ش / ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ ه. ق به موجب نظامنامه صنفی که در ۱۸ شهریور ۱۲۸۵ ه. ش به امضای مظفرالدین شاه رسیده بود تأسیس گردید.^۵ و تازه پس از پیروزی مشروطیت و آغاز فعالیت مجلس بود که تفکرات جدید و تغییرات عمیق در میان توده های مردم ایران به خصوص مردم خسته از نظام ارباب رعیتی روستاها مجال مطرح شدن یافت.^۶

۱- حیات بحیی، ص ۱۸۳.

۲- گزارش ایران، پیشین، ص ۱۲۰-۱۱۹.

۳- تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، پیشین، ص ۶۶.

۴- فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، تهران، انتشارات خوارزمی.

۵- ملک الشعراء بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۲.

۶- یکی از مضموبات عمده مجلس اول العالی نظام حکومت مطلقه بود، بنگرید به علی پاشا صالح، مباحثی از تاریخ حقوق، سرگذشت قانون، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۵۰.